کلود برمون، پیش درآمدی بر بوطیقای روایت شناسی ساختارگرا

خراسانی، محبوبه

مهم‏ترین اثر برمون C. bermond کتاب«منطق حکایت» است که در آن به‏طور مستقیم از ولادیمیر پراپ VLadimirPropp تأثیر پذیرفته است.او در فصل اول‏ این کتاب شرحی دقیق بر کتاب‏ «ریخت‏شناسی قصه پریان»می‏نویسد و نقاط مشترک و فصل ممیزهای‏ نظریه‏هایش را با پراپ شرح می‏دهد (C.bremondṣ1973) .

برمون قصد داشت تا با استفاده‏ از اصول منطق به فرمول‏بندی قوانین‏ حاکم بر روایت داستانی بپردازد.البته در این امر غیراز پراپ از کار ژوزف بدیه‏ Joseph Bedier نیز متأثر بوده است. اگرچه وی کارکردهای روایی پراپ را درست می‏داند و آنها را می‏پذیرد ولی در توالی‏ کارکردهای‏ روایتی او تغییراتی‏ می‏دهد.برمون توالی را به‏ دو دسته تقسیم می‏کند:

1)توالی ابتدایی

2)توالی مرکب

به نظر وی توالی موردنظر پراپ‏ بیشتر برای قصه‏های عامیانه که ساختار نسبتا ساده‏ای دارند،صادق است و این‏ توالی را نمی‏توان برای داستان به کار برد،بل نیاز به توالی مرکبی است که از چند توالی ساده تشکیل می‏شود(اخوت، احمد 1371،ص 20).

برمون سه پایه اصلی برای هر روایتی برمی‏شمارد:

1)وضعیت متعادل اولیه (A) توصیف می‏شود.

2)امکان دگرگونی وضعیت (A) پدیدار می‏شود.

3)وضعیت (A) دگرگون می‏شود یا نمی‏شود.

او پایه دوم را وضعیت‏گذار می‏داند که این مرحله خود می‏تواند از موقعیتهای‏ فرعی دیگر تشکیل شود.یعنی در هر

روایت‏شناسی‏ ساختارگرا

روایت‏ در این پایه، امکان وجود روایتهای فرعی‏ دیگری موجود است؛پی‏رفتی‏ اصیل(داستان‏ اصلی)در پایه دوم، پی‏رفت‏های فرعی‏ دیگری را شامل‏ می‏شود.

تودوروف در کتاب«بوطیقای‏ ساختارگرا» در بخش‏ «نحو روایت» این امکان را بررسی می‏کند و با مثالهایی از کتاب دکامرون،سه‏ شگرد1.درونه‏گیری‏ 2.زنجیره‏سازی 3. تناوب را مطرح می‏کند. که ما در اینجا مثالهایی‏ از«هزار و یک شب»، ترجمه عبد اللطیف طسوجی‏ می‏آوریم تا سنجه‏های‏ ساختارگرایی را بر این متن‏ آزموده باشیم:

1-3-درونه‏گیری:در این شگرد یک پی‏رفت کامل‏ به جای قسمتی از پی‏رفت‏ اصلی می‏آید:

پادشاهی پس از سالها که‏ فرزندی نداشت.صاحب پسری شد و او را به تمامی فنون رزم‏ و علوم آشنا کرد.روزی حکیم‏ سندباد در طالع پسر نظر کرد و دریافت که وی سخنی‏ می‏گوید که تا هفت روز بعد موجب مرگش خواهد شد،و به پادشاه گفت که او را با کنیزکان به نزهت‏گاه بفرستند. کنیزی که با وی بود پسر را به‏ خود دعوت کرد.پسر نپذیرفت‏ و او را وعده عقاب داد.کنیز به سوی پادشاه روان شد و به پسر تهمت زد.پادشاه‏ نیز خشمگین شد و دستور قتل پسر را داد.وزیران جمع‏ شدند و یکی از ایشان نزد پادشاه رفت‏ و داستان عشق شاهی به زن وزیرش‏ را برای پادشاه گفت و او را از کشتن‏ پسر منصرف کرد(طسوجی،عبد اللطیف، 1337،ص 402).

این حکایت پی‏رفت اصلی همه‏ عناصر ضروری را دارد.وضعیت آغازین‏ پادشاه و پسرش،امکان دگرگونی‏ وضعیت اولیه،ایجاد حالت بی‏تعادلی‏ فرمان داد پادشاه بریا کشتن پسرش، پیدا کردن چاره‏ای برای نجات پسر توسط وزیر و وضعیت پایانی که شبیه‏ وضعیت آغازین است.اما وضعیت چهارم‏ خود یک روایت است که پی‏رفت خود را دارد.این شگرد«درونه‏گیری»است.

2-3-زنجیره‏سازی:در این شگرد به جای اینکه حکایات‏ درهم‏پوشانی شوند،پی‏رفت‏ها به دنبال‏ هم می‏آیند؛که پی‏رفت‏های همانند در تقابلهای مکانی-زمانی‏شان برجسته‏ می‏شود.برای مثال حکایت دو وزیر در صفحه‏ی 51«هزار و یک شب»که به‏ علت استفاده از این تکنیک،حکایتی‏ بلند شده است.البته در این حکایت‏ شخصیتها ماجراهای گوناگونی را در پی‏رفت‏های متفاوت از سر می‏گذرانند.

3-3-تناوب:ازاین‏روش‏ در«هزار و یک شب»استفاده نشده‏ است.این شیوه به صورتی است که‏ گاه قسمتی از پی‏رفت نخست می‏آید و پس از آن قسمتی از پی‏رفت دوم؛ و گاه قسمتی از پی‏رفت دوم به دنبال‏ پی‏رفت نخست می‏آید.که این تناوب‏ و درهم‏شکستگی که در متن واقع‏ می‏شود،با نشانه‏هایی قابل ردیابی است. داستانهای مدرن بیشتر از این شگرد استفاده می‏کنند.البته سزاوار توجه است‏ که امکان درهم‏شدن این سه شگرد و درهم‏آمیختگی آن در متن وجود دارد، و یا اینکه ممکن است ترکیبی از هر سه‏ نوع را داشته باشیم.

برمون عنصر اصلی ساختار روایت‏ را پی‏رفت می‏داند و قاعده سه موردی را که در اول مقاله آمد،درمورد هر پی‏رفتی‏ صادق می‏داند.به نظر برمون هر پی‏رفتی‏ خود نیز بر سه پایه استوار است:

1-وضعیتی امکان دگرگونی را در خود دارد.

2-حادثه یا دگرگونی رخ می‏دهد.

3-وضعیتی که محصول تحقق‏ یا عدم تحقق آن است،پدید می‏آید.» (احمدی،بابک،1378،ص 166).

برمون با استفاده از این قواعد سه‏گانه،به شرح و تحلیل داستانهای‏ پلیسی-جنایی می‏پردازد و سعی دارد تا نقش ویژه روایت پلیسی را پیدا کند. او هر پی‏رفتی را در این‏گونه داستانها رمزگشایی‏ای می‏داند که پی‏رفت بعدی‏ را در بسط یافتنش کمک می‏کند تا اینکه‏ به حالت پایدار انتهای روایت برسد که‏ یا مجازات است یا عدم مجازات.نمونه‏ معروف این‏گونه روایات را که سیمای‏ جمهوری اسلامی ایران به صورت‏ مجموعه‏ای(سریال)نشان داده است‏ داستانهای خانم مارپل،موسیو پوارو و کارآگاه علوی است.

یکی دیگر از مواردی که برمون با پراپ افتراق بینشی دارد،مدار بسته‏ای‏ است که پراپ کنشگر بی‏اراده را در آن‏ قرار داده است (V.propp.1968) . برمون می‏اندیشد:«وقتی ما داستانی‏ را می‏خوانیم،هر آن احساس می‏کنیم‏ که قهرمان می‏تواند دست به انتخابی‏ تازه بزند که سرنوشت داستان را تغییر بدهد.»این ایراد برمون،گرچه اساسی‏ است،ولی بیشتر درباره داستانهای‏ امروز صادق است که دارای‏ پیچیدگی و تنوع بسیار است، نه درباره قصه‏های عامیانهء مورد مطالعه پراپ»(اخوت، احمد 1371،ص 21)

برمون به طرح روایتی‏ که پی‏ریخته بود،عامل‏ دیگر زمان را نیز افزود،او با توجه به تأثیری که از گریما (A.J.Gremas) پذیرفته‏ بود،دریافت که یک حادثه‏ برای تبدیل شدن به داستان‏ باید حداقل در دو قسمت که‏ از نظر زمانی متفاوت‏اند بیان‏ شود.برای مثال،حادثه‏ای در زمان A به تحقق یا عدم تحقق موضوع‏ در زمان B منتهی می‏شود،که درواقع‏ زمان B منتهی می‏شود،که درواقع زمان‏ B تحقق زمانی اتفاقی است که در زمان‏ A وجود داشته است.مثلا«عفریت از شنیدن حکایت در طرب آمد و از سر خون بازرگان گذشت.»میان این دو قسمت روایی فاصله زمانی وجود دارد و رابطه علی نیز میانشان موجود است. نکته اساسی موردنظر برمون سویه‏ زمانی-منطقی روایت است که منطق‏ نهانی روایت را تشکیل می‏دهد.این‏ روایت با روایت«عفریت از سر خون‏ بازرگان گذشت و از شنیدن حکایت‏ در طرب آمد»،تفاوتی عظیم دارد.این‏ خود داستان تازه‏ای است که تفاوت زمانی‏ بین دو قسمت روایی،داستان جدیدی‏ را آفریده است.برای شرح این مناسبت‏ برمون بخش‏بندی تازه‏ای از روایت را مطرح می‏کند:

الف) A در زمان نخست خودش‏ A است.

ب)اتفاق C برای A در زمان دوم‏ روی می‏دهد یا A اتفاق C را در زمان‏ دوم باعث می‏شود.

ج) A در زمان سوم B است.

عفریت در زمان اول داستان را می‏شنود.عفریت در زمان دوم از سر خون بازرگان می‏گذرد.در زمان سوم، بازرگان دیگر آن مرد در بند و پریشان‏ نیست بل،آزاد است.

مثال دیگر،عفریت در زمان نخست‏ از سر خون بازرگان می‏گذرد.در زمان‏ سوم،عفریت از سرگذشت طربناک‏ می‏شود.اکنون دیگر عفریت همانی‏ نیست که در زمان اول بود.

البته در این مثالها با زمان تقویمی‏ سروکار داشتیم،ولی انواع دیگری از روایت موجود است که بر پایه زمان‏ تقویمی نیست و زمانهای گذشته و حال‏ و آینده را درهم می‏آمیزد یا ترکیبی از آنها پدید می‏آورد.که از این نوع روایات‏ بیشتر در صنعت سینما استفاده می‏شود. برای مثال،در فیلم«بوی کافور،عطر یاس»اثر بهمن فرمان‏آرا،ترکیبی از هر سه زمان را می‏توان یافت.

رامان سلدن (R.Seldon) نظریه‏ برمون را در یک طرح کلی چنین خلاصه‏ می‏کند(سلدن،رامان،1374،ص 60):

(توانش)

فرایند فعلیت بخشیدن

(گام‏های برداشته شده)

موفقیت

(رسیدن به هدف)

(تعیین هدف) عدم فعلیت بخشیدن

(گامهای برداشته شده)

شکست

(نرسیدن به هدف)

آنچه در اینجا قابل ذکر می‏نماید این است که حادثه‏ای اتفاق می‏افتد یا نمی‏افتد.اگر اتفاق افتاد نیز دو حالت‏ دارد:یا کامل می‏شود یا نمی‏شود.آنچه‏ نقطه آغاز است کنش نیست بل منطق‏ حادثه است.

مطلب دیگری که پراپ و برمون‏ در آن همنوا نیستند،تأکید برمون بر شخصیتهای داستان است.برخلاف‏ پراپ که می‏اندیشد که کنشها قالبی‏ هستند که اشخاص-حال فرق نمی‏کند چه شخصی-در آن متبلور می‏شوند، به عبارت دیگر،عملکرد شخصیتها را چندان مهم نمی‏شمرد،برمون معتقد است که شخصیت هدف داستان است. وی تقسیم‏بندی کنشی‏ای را که پراپ‏ وضع کرده است،دسته‏بندی مکانیکی‏ می‏داند،هرچند این دسته‏بندی با صد حکایت از مجموعه آفاناسی‏یف همخوان‏ است اما توان بسط نظری ندارد یا اگر داشته باشد،این امر به سختی امکانپذیر است.کلود برمون بر این باور است که‏ سی و یک عملکردی که پراپ برای‏ کنش قائل شده است،مرز معلومی‏ ندارد و می‏توان بعضی از آنها را درهم‏ ادغام کرد.به همین خاطر برمون دو نوع شخصیت را از هم تفکیک می‏کند: کنشگرو کنش‏پذیر.که هریک،با توجه‏ به عوامل متعددی،به انواع گوناگون‏ تقسیم می‏شوند:

کنشگر به تأثیرگذار و بهبودبخش،و کنش‏پذیر به بهره‏ور و قربانی(تودوروف، تزوتان،1379،ص 77).آنچه که برمون‏ درباره ساخت نهایی روایت نوشت،تأثیر فراوانی بر نظریه ادبی دهه نود قرن‏ بیستم داشت(احمدی،بابک،1374). برمون به دیگران نشان داد که هر شکل‏ از روایت،ساختی داستانی دارد؛و این‏ بنیان داستانی است که به اجزای کتاب، واژه‏ها و سایر جمله‏های کتاب معنی‏ می‏بخشد.در پرتو روایتی ساده،مثل‏ شهرزاد که هر شب قصه‏ای می‏گوید تا نمیرد،تمامی کتاب«هزار و یک شب» معنا می‏یابد.

منابع:

1-احمدی،بابک؛حقیقت و زیبایی؛چاپ اول؛ نشر مرکز؛تهران 1374.

2-؛ساختار و تأویل متن؛ج 1؛چاپ سوم؛نشر مرکز؛تهران 1375.

3-اخوت،احمد؛دستور زبان داستان؛چاپ اول؛ نشر فردا؛اصفهان،1371.

4-تودوروف،تزوتان؛بوطیقای ساختارگرا؛ترجمه‏ محمد نبوی؛چاپ اول؛نشر آگاه؛تهران 1380.

5-سلدن،رامان؛راهنمای نظریه ادبی‏ معاصر؛ترجمه عباس مخبر؛چاپ دوم؛طرح نو؛ تهران 1377.

6-طسوجی،عبد اللطیف؛هزار و یک شب؛ انتشارات علمی؛تهران،1337.

7- ProppṣVladimir;Motphology ofthefolktalc;translatedby LaurenceScott;Austinuni versity .ofTexaspressṣ1968

8- BremodṣCloude;logiquedu .recit;parisṣ1973